

## نظریه مدیریتی آیت ا... شهید مرتضی مطهری

رمضان شعبانی ساروی

### چکیده

در یک تعریف، مدیریت اسلامی یعنی لیاقت و شایستگی شناخت، نگهداری، بهره‌برداری و توسعه سرمایه‌هایی که در اختیار انسان قرار دارد. این همان مفهوم رشد از دیدگاه شهید مطهری است. ایشان با توجه به رشد کیفی، با پیوند میان رهبری و مدیریت و نیز رشد اسلامی، مدیریت و رهبری را از سرمایه‌های معنوی اسلام و جامعه دانسته و آن را مستلزم اعمال فرایند چهار مرحله‌ای رشد می‌دانند. در نگاه شهید مطهری واحد تحلیل فرد بوده و اصل و اساس مدیریت را توسعه و تعالی فردی می‌دانند.

کلید واژه‌ها: رشد، امامت و رهبری، مدیریت، مدیریت و رهبری سرمایه‌ها

## مقدمه

مدیریت اسلامی از دیرباز مورد توجه همه آنانی بود که دل در گرو اسلام داشته‌اند. بر این اساس، بسیاری کوشیده‌اند تا در جهت شناخت و معرفی این پدیده مهم، گامی فرا پیش نهند. اگر از آثاری که از زمانهای دور درباره رهبری، ولایت و زعامت نگاشته شده است، بگذریم و مدیریت اسلامی را به عنوان موضوعی دنبال کنیم که پس از پیدایش مدیریت در غرب و ورود آن به کشورهای اسلامی و از جمله ایران به وجود آمد، به نظر می‌رسد قدیمی‌ترین اثر را در اواخر دهه ۱۳۴۰ ه.ش می‌توان یافت که برخی از محققان اسلامی و از جمله برجسته‌ترین آنان، شهید بزرگوار مرتضی مطهری (قدس ا... نفس الزکیه) ارائه کرده‌اند. ایشان در پاسخ به عطش اسلام‌خواهی جوانان دانشجو در آن دوره مبنی بر اینکه آیا اسلام هم از خود در حوزه مدیریت، سخنی و نظریه‌ای دارد یا نه، تلاش کرده‌اند تا این پرسش را تا حدودی پاسخ دهند. از میان آثار شهید به دو مقاله، می‌توان اشاره کرد. عنوان این دو مقاله، «مدیریت و رهبری در اسلام» و «رشد اسلامی» است.

## پیش فرضها

استاد مطهری برای تبیین نظریه خود دو مسأله را به عنوان پیش فرضهای اساسی خود در نظر می‌گیرد:

۱- مفهوم رشد

۲- مفهوم امامت و رهبری

تبیین نظریه مدیریت اسلامی شهید مطهری:

بررسی و تبیین نظریه مدیریت آیت ا... مطهری، منوط به تحلیل دو واژه کلیدی رشد و امامت است.

## رشد و ابعاد آن

ایشان درباره مفهوم رشد می گویند:

«رشد کلمه‌ای است که از قرآن مجید گرفته شده است. قرآن مجید در مورد کودکان بی سرپرست که دارای ثروت هستند، این اصطلاح را به کار برده است. در مورد یتیمان می فرماید: «یتیمانی که سرپرست خود را از دست داده‌اند و مملوک و ثروتی دارند، تا زمان بلوغ بر آنها قیمومت کنید و ثروشان را در اختیارشان قرار ندهید». البته بلوغ شرط لازم است اما کافی نیست؛ زیرا علاوه بر بلوغ، رشد لازم است. از نظر ایشان رشد در اصطلاح فقهی فقط مربوط به اتمام نیست، یک نوع کمال روحی است (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۳۱۲).

تعریف رشد: شهید مطهری در مقاله «مدیریت و رهبری در اسلام» می نویسد: اگر بخواهیم کلمه «رشد» را به مفهوم عام خودش که شامل همه انواع رشدها در همه موارد بشود تعریف کنیم باید بگوییم: اینکه انسان شایستگی و لیاقت اداره و نگهداری و بهره‌برداری یکی از سرمایه و امکانات مادی و معنوی که به او سپرده می شود داشته باشد یعنی اگر انسان در هر ناحیه از نواحی زندگی بشر که حکم یک شأن و وسیله‌ای دارد، شایستگی اداره و نگهداری و بهره‌برداری از آن را داشته باشد، چنین شخصی در آن کار و در آن شأن «رشد» است» (همان، ۳۱۴).

انواع رشد: استاد مطهری ابعاد رشد را در دو مقوله مطرح می نمایند:

۱- رشد فردی (شخصی و اخلاقی)

۲- رشد ملی

۱- رشد فردی: او در تبیین رشد فردی می گویند: «اولین رشدی که انسان باید از آن بهره‌مند باشد رشد فردی، شخصی و اخلاقی است. این سؤال پیش می آید که

آیا اغلب افراد می‌توانند این سرمایه را اداره و از آن بهره‌برداری کنند؟ ایشان در پاسخ می‌گویند: «باور کنید کمتر کسی است که چنانکه باید از سرمایه‌های فردی و شخصی خود بهره‌برداری کند» (مطهری، ۱۳۸۵، ۳۱۵).

استاد، رشد فردی را در دو مقوله مدیریت حافظه و عبادت ترسیم می‌کند.

الف) مدیریت حافظه: در بعد مدیریت حافظه می‌گویند: «افراد از نظر هوش، فهم، استعداد و حافظه با یکدیگر اختلاف دارند. انسانهای رشید از حافظه خود بهره‌برداری صحیح می‌کنند ولی آدمهای غیر رشید ممکن است حافظه بسیار نیرومندی نیز داشته باشند، اما نتوانند از آن استفاده کنند. ایشان مثالی از مدیریت صحیح و ناصحیح در مورد بهره‌برداری از یکی از قوای هوشی و عقلانی انسان می‌زنند و می‌گویند: «آدم غیر رشید تصور می‌کند که حافظه یک انبار است، انباری که دائماً باید آن را پر کنند، هر چه پیدا کرد آنجا پرت کند. اما آدمی که رشید باشد در بهره‌برداری از حافظه خود دقت می‌کند، اولین کاری که انجام می‌دهد عمل انتخاب است، مفیدترها را انتخاب می‌کند سپس آنها را به حافظه خویش می‌سپارد. انسان رشید کتابها و مطالبی را که برای خود لازم می‌داند، جمع می‌کند، آنها را مکرراً مطالعه و دسته‌بندی و سپس خلاصه می‌کند. خلاصه را یادداشت و به حافظه خود می‌سپارد؛ بعد به موضوع دیگری می‌پردازد، چنین فردی اگر حافظه‌اش ضعیف هم باشد از آن حداکثر استفاده را می‌کند» (مطهری، ۱۳۸۵، ۳۱۵).

ب) مدیریت در عبادت: استاد مطهری در این باره می‌گویند: باید اعتراف کنیم که ما راه عبادت را نمی‌دانیم، یعنی از نظر عبادت نیز قادر به اداره خود به نحو صحیح نیستیم. غالباً خیال می‌کنند که چون عبادت خوب است پس هر چه بیشتر بهتر؛ فکر نمی‌کنند عبادت آنگاه اثر خود را می‌بخشد که جذب روح شود و روح

از آن به طور صحیح تغذیه نماید. پیغمبر اکرم (ص) خطاب به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: «دین اسلام، دینی است متین و محکم و منطقی، با مدارا بر آن و عبادت را مبعوض و منفور نفس خودت قرار مده». در این حدیث رسول اکرم (ص) می‌خواهد بفرماید تنها کسانی از ثمرات و نتایج عالی عبادت بهره‌مند می‌شوند که عبادت را طوری انجام دهند که قلب آنها عاشقانه عبادت را انتخاب کند و بپذیرد.

خوب عبادت کردن و از مواهب آن بهره‌مند شدن حساب و قاعده و به اصطلاح مکانیسمی دارد مربوط است به حسن مدیریت خود؛ یعنی خود را، احساسات خود را، عواطف خود را، غرایز خود را و بالاخره قلب و دل خود را خوب اداره کردن. دل و احساس و عاطفه از هر چیز دیگر بیشتر نیازمند به مدیریت صحیح است (همان ۳۱۷-۳۱۸).

۲- رشد ملی: ایشان در تعریف رشد ملی می‌گویند:

رشد فقط به فرد منحصر نمی‌شود، در مورد ملتها نیز سرمایه‌های طبیعی، فرهنگی، و انسانی و امثال آن، سرمایه‌هایی است که در اختیار ملتها قرار دارد. «رشد ملی» عبارت است از لیاقت و شایستگی یک ملت برای نگهداری و بهره‌برداری و سود بردن از سرمایه‌ها و امکانات طبیعی و انسانی خود؛ به هر اندازه که لیاقت و شایستگی اداره و بهره‌برداری از آنها را دارد، به همان اندازه رشید است.

او می‌گوید: رهبری و مدیریت که موضوع اصلی بحث است خود مستلزم نوعی از رشد است؛ زیرا رهبری در حقیقت عبارت است از بسیج کردن نیروی انسانها و بهره‌برداری صحیح از نیروهای انسانی (همان، ۳۱۴).

**مفهوم امامت و رهبری**

ایشان در تبیین امامت و رهبری امت می‌گویند:

«رشد یعنی قدرت مدیریت». وقتی که انسان می‌خواهد انسانهای دیگر را اداره کند یعنی وقتی که موضوع رشد، اداره انسانهای دیگر باشد آن را «مدیریت و رهبری» می‌نامیم. این نوع از رشد در اصطلاح اسلامی «هدایت» و به تعبیر راستر «امامت» نامیده می‌شود. ایشان در تفاوت نبوت و امامت می‌گویند: دقیق‌ترین کلمه‌ای که بر کلمه «امامت» منطبق می‌شود، همین کلمه رهبری است. فرق نبوت و امامت در این است که نبوت، راهنمایی و امامت، رهبری است. نبوت، ابلاغ، اخبار، اطلاع دادن، اتمام حجت و راهنمایی است. راهنما چه می‌کند؟ راه را نشان می‌دهد؛ وظیفه‌اش بیش از این نیست. اما بشر علاوه بر راهنمایی به رهبری نیاز دارد؛ یعنی نیازمند است به افراد یا گروه و دستگاهی که قوا و نیروهای وی را بسیج کنند، حرکت دهند، سامان و سازمان بخشند. نبوت، راهنمایی است و یک منصب است؛ اما امامت، رهبری است و منصب دیگری است. پیامبران بزرگ، هم نبی و هم امام هستند. پیغمبران کوچک فقط نبی بودند و امام نبودند. پیغمبران بزرگ هر دو منصب و هر دو شأن را داشته‌اند، هم شأن راهنمایی و هم شأن رهبری (همان، ۳۱۸-۳۱۹).

وی در ترسیم ابعاد رهبری از دیدگاه قرآن کریم می‌گوید: آنچه قرآن تحت عنوان رهبری از آن بحث می‌کند، مافوق رهبری‌ای است که بشریت می‌شناسد. رهبری‌ای که بشریت می‌شناسد از حدود رهبری در مسائل اجتماعی تجاوز نمی‌کند، اما منظور قرآن از رهبری، علاوه بر رهبری اجتماعی، رهبری معنوی یعنی رهبری به سوی خداست و آن خود حساب دقیق و حساسی دارد و از رهبریهای اجتماعی بسی دقیق‌تر و حساس‌تر است.

دنایای امروز به مسأله رهبری و مدیریت، تنها از جنبه اجتماعی می‌نگرد، یعنی تنها این جنبه و این بعد را شناخته است (همان، ۳۲۱).

شهید مطهری اهمیت فوق‌العاده رهبری را بر سه اصل اساسی مبتنی می‌داند:

۱- اهمیت انسان و ذخایر و نیروهایی که در او نهفته است. در اسلام به مسأله متوجه کردن انسان به خود، به عظمت و شرافت خود و نیروهای عظیمی که در اوست، توجه شده است.

۲- اصل دوم به تفاوت انسان و حیوان مربوط است. انسان از نظر غرایز ضعیف‌تر از حیوان است و اگر بنا بود با غریزه رهبری شود باید صد برابر حیوانات مجهز به غرایز می‌شد، لذا از نظر غرایزی که او را از داخل خود هدایت و رهبری کنند، فقیرترین و ناتوان‌ترین موجود است؛ بنابراین به رهبری، مدیریت و هدایت از خارج نیاز دارد. این همان اصلی است که مبنا و فلسفه بعثت انبیا است.

۳- قوانین خاص حاکم بر زندگی بشر: یک سلسله اصول بر رفتار انسان حکومت می‌کند که اگر کسی بخواهد بر بشر مدیریت داشته باشد و وی را رهبری کند، جز از راه شناخت قوانینی که بر حیات و بر روال زندگی بشر حاکم است، میسر نیست.

بر این اساس استاد مطهری نتیجه می‌گیرد؛ بشر موجودی است که به یک سلسله نیروها مجهز است و به هدایت و رهبری و پیشوا و پیشوایی نیازمند است؛ موجودی است که رهبری و به حرکت درآوردن و بهره‌برداری از نیروهای وی تابع یک سلسله قوانین بسیار دقیق و ظریف است که شناخت آن قوانین کلید راه نفوذ در دلها و مسلط شدن بر انسانهاست. (همان، ۳۱۳-۳۲۱)

ایشان در توصیف مدیریت اجتماعی می‌گویند: «مدیریت اجتماعی یعنی مجهز کردن نیروها، تحریک نیروها، آزاد کردن نیروها و در عین حال کنترل نیروها

و در مجرای صحیح انداختن آنها، سامان دادن، سازمان بخشیدن و حرارت بخشیدن به آنها.

مدیریت صحیح از ضعیف‌ترین ملت‌های دنیا، قوی‌ترین ملت‌ها می‌سازد، آنچنانکه رسول اکرم (ص) کرد و این معجزه رهبری است.

دو راه توجه اسلام به اصول مدیریت و رهبری: در دیدگاه شهید مطهری اگر بخواهیم توجه اسلام را به اصول و مدیریت درک کنیم دو راه را باید طی نماییم: ضرورت مطالعه سیره اولیای خدا. اگر انسان روش آنها را مطالعه کند متوجه می‌شود که چقدر بر اصول دقیق رهبری منطبق است.

وظیفه خاص رهبر: از نظر اسلام، شخص رهبر از آن نظر که رهبر است و نقطه مرکزی جامعه اسلامی است و اوست که باید روحها را اداره کند و ارضا نماید و بسیج کند، وظایفی دارد که دیگران چنین وظیفه‌ای ندارند و خود رهبر نیز در غیر پست رهبری چنین وظیفه‌ای ندارد.

بر اساس برداشت استاد مطهری معمای متفاوت بودن امام صادق (ع) با امام علی (ع) در روش زندگی، به دلیل موقعیت اجتماعی متفاوت آنان بوده است (همان ۳۲۴-۳۲۵).

بر این اساس مهمترین کلید واژه‌ها در مدل مدیریتی شهید مطهری عبارتند از:

جدول شماره ۱- تعریف واژه‌های کلیدی تحقیق (التهاس از شهید مطهری) (جعفری و ازگلی، ۱۳۸۳، ۵۲)

| عنوان                  | تعریف                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           |
|------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| رشد                    | شایستگی و لیاقت اداره و نگهداری و بهره برداری یکی از سرمایه‌ها و امکانات مادی یا معنوی که به انسان سپرده شده است.                                                                                                                                                                                                                                                                               |
| رشد ملی                | لیاقت و شایستگی هر ملت برای نگهداری و بهره برداری از سرمایه‌ها و امکانات طبیعی و انسانی خود به هر اندازه که لیاقت و شایستگی اداره و بهره برداری از آنها را دارد.                                                                                                                                                                                                                                |
| رهبری                  | رهبری و مدیریت، خود متلزم نوعی از رشد است. رهبری یعنی بسیج کردن نیروی انسانها و بهره‌برداری صحیح از نیروی انسانی.                                                                                                                                                                                                                                                                               |
| مدیریت اجتماعی و رهبری | مجهز کردن نیروها، تحریک نیروها، آزاد کردن نیروها و در عین حال کنترل نیروها و در مجرای صحیح افشاختن آنها، سازمان دادن، سازمان بخشیدن و حراست بخشیدن به آنها                                                                                                                                                                                                                                      |
| شناخت                  | لیاقت و شایستگی آگاهی از سرمایه‌های خدادادی برای شناخت، نگهداری، بهره برداری و توسعه سرمایه مدیریت اسلامی، شرط اول و رکن اول رشد، شناخت صحیح است. شناخت یعنی آگاهی از امکاناتی که خداوند تبارک و تعالی در اختیار ما قرار داده است؛ سرمایه‌هایی که در طول تاریخ پیدا کرده‌ایم. تا سرمایه خود را ننشسیم و از وجود آن آگاه نباشیم و لورزش سرمایه خود را نکنیم که چیست؟ شرط اول رشد را واجد نیستیم. |
| نگهداری                | لیاقت و شایستگی حفظ صحیح سرمایه‌ها، رشد و مدیریت نگهداری سرمایه‌ها نام دارد.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    |
| بهره برداری            | (کسب) لیاقت و شایستگی بهره برداری صحیح از سرمایه‌ها، یعنی مدیریت صحیح که نشانه‌ای دیگر از رشد است.                                                                                                                                                                                                                                                                                              |
| توسعه                  | توانایی رشد تضایی سرمایه‌ها با تکیه بر رشد بهره برداری و نگهداری سرمایه‌ها و استفاده از سود سرمایه به جای استفاده از اصل سرمایه را توسعه می‌نامند.                                                                                                                                                                                                                                              |
| اطلاع رسانی            | شناسایی، نگهداری، بهره برداری و توسعه اطلاعات و دانشهایی که به عنوان سرمایه‌های مدیریت اسلامی در طول تاریخ تاکنون برای ما به ارث گذاشته‌اند.                                                                                                                                                                                                                                                    |
| پژوهش                  | لیاقت و شایستگی بررسی و اکتشاف و پیمایش در باره سرمایه‌های مدیریت اسلامی در گذشته، حال و آینده در ابعاد شناخت، نگهداری، بهره‌برداری و توسعه این سرمایه‌ها                                                                                                                                                                                                                                       |
| آموزش و پرورش          | لیاقت و شایستگی انتقال سرمایه دانش و نگرش مدیریت اسلامی به مدیران باقل و بالقوه جهان اسلام که خود به مثابه عالی‌ترین سرمایه‌های مدیریت اسلامی (منابع انسانی مدیریت اسلامی) به حساب می‌آید.                                                                                                                                                                                                      |
| تجربه و اقدام          | لیاقت و شایستگی پیاده سازی و اجرای سرمایه مدیریت اسلامی و تجربه آن در عمل و ارائه الگوی عینی دانش و نگرش مدیریت اسلامی در رفتار سازمانها و مدیران جامعه                                                                                                                                                                                                                                         |
| مشاوره و نصیحت         | لیاقت و شایستگی رشد بالینی سرمایه مدیریت اسلامی در کنار و همپای مدیران اسلامی با ارائه مشاوره نظام‌مند و نصایح خیرخواهانه به مدیران به منظور بهبود و توسعه رشد سازمان و مدیریت ایشان                                                                                                                                                                                                            |
| مقررات اسلامی          | مقررات اسلامی، مادر و منبع سایر سرمایه‌هاست که باید برای مدیریت و رشد فرد، خانواده و اجتماع، انواع این مقررات و فلسفه اجتماعی و انسانی آنها به عنوان سرمایه اساسی، شناسایی، نگهداری، بهره برداری و توسعه داده شود.                                                                                                                                                                              |

۲- مدیریت سرمایه‌های آموزشی و پرورشی

۳- مدیریت سرمایه‌های مشاوره و نصیحت

۴- مدیریت سرمایه‌های پیاده سازی و عمل خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

۱- شهید مطهری با استناد به آیه‌های ۵ و ۶ سوره مبارکه نساء، نظریه رشد را در عرصه مدیریت اسلامی تبیین نمودند. با اینکه واژه رشد در قرآن ۱۷ بار در معانی مختلف به کار رفته است، اما ایشان با استناد آیات سوره نساء، رشد را در مقابل سفاکت انتخاب کرده، که در این مفهوم رشد لیاقت و شایستگی، نگاهداری و بهره‌برداری از سرمایه‌های در اختیار است که لیاقت، مستلزم شناخت است.

۲- رشد از نظر مطهری معادل رشد کمی و «growth» نیست، بلکه رشد انسانی و کیفی و معادل «development» است. از دید استاد مطهری انسانی رشد یافته‌تر است که شناخت از توانایی‌های خودش را کامل‌تر کرده و از همه توانایی‌های خود بهره‌گیرد.

۳- ایشان با پیوند میان رهبری و مدیریت از یکسو و رشد اسلامی از سوی دیگر اظهار می‌کند که «رهبری و مدیریت» خود مستلزم نوعی از رشد است. رشد یعنی توان شناخت، لیاقت و شایستگی (حفظ) و نگهداری و قدرت بهره‌برداری از امکانات و سرمایه‌های مادی یا معنوی که در اختیار انسان قرار داده می‌شود.

۴- آنچه به عنوان آثار مدیریت و رهبری در اسلام مطرح است از سرمایه‌های معنوی اسلام و جامعه اسلامی به شمار می‌آید. این آثار اعم است از هر آنچه تجلی مدیریت و رهبری است. برجسته‌ترین این نمودها، سیره نظری و عملی انبیا و اولیای اسلام است که در طول قرن‌ها همواره به مثابه چشم اندازی روشن از مدیریت و رهبری اسلامی در عرصه اندیشه و اقدام، راهگشای علمی و عملی حرکت به سوی جامعه آرمانی مهدوی (عج) بوده است. بنابراین هر اقدام که در جهت شناخت، نگهداری، بهره‌برداری و توسعه این سرمایه‌ها صورت گیرد، عین رشد و مصداق مدیریت و رهبری به حساب می‌آید.

۵- به نظر می‌رسد رشد اسلامی انواع سرمایه مدیریت اسلامی در چهار بخش تجلی می‌یابد: ۱- بخش اطلاع رسانی و پژوهش ۲- بخش آموزش و تربیت ۳- بخش مشاوره و نصیحت ۴- بخش پیاده سازی و عمل. بدیهی است که این بخشها با یکدیگر پیوندی تنگاتنگ و تضایفی دارد. بنابراین هر یک از این انواع، ابعاد چهارگانه رشد اسلامی را دارد، یعنی اگر در هر یک از این انواع و بخشهای مدیریت اسلامی به رشد برسیم در این صورت برآیند رشدهای چهارگانه به رشد مدیریت کل سرمایه‌های مدیریت اسلامی می‌انجامد.

۶- در نگاه شهید مطهری، واحد تحلیل فرد است، در حالی که در مدیریت جدید، واحد تحلیل براساس سازمان است. در نظریه مدیریت اسلامی شهید مطهری، براساس نگرش اسلامی، توسعه و تعالی فردی، اصل و اساس سازمان است، که اعتقاد بر آن است که سازمان باید در خدمت

فرد باشد. در حالی که در تئوریهای مدیریت در مدل اول (مدیریت علمی) و مدل دوم (روابط انسانی) تأکید بر در خدمت بودن فرد برای سازمان است. بنابراین با رویکرد تعیین فرد به عنوان واحد تحلیل، سازمان درکی برای رشد انسان است.

پایان این نوشتار را با گفتار نظریه پرداز و عامل به مدیریت اسلامی، شهید مظلوم آیت ا... دکتر بهشتی (رضوان ا... تعالی علیه) در سالهای قبل از جمهوری اسلامی حسن ختام می‌بخشم:

«شما باید ده ساعت در روز به قید هر ساعت شصت دقیقه کار کنید. چگونه خود را رسالت مدار نسلهای تشنه حقیقت دنیای امروز می‌دانید، نسلهایی که زیر بار استبدادها و استعمارها به انتظار ندای نجات بخشی نشسته‌اند؟ چگونه خود را مسئول نجات این مردم رنج‌دیده و غم‌دیده می‌دانید و معتقدید که اسلام می‌تواند ناجی این قوم باشد و حاضر نیستید از عمر، جوانی و نشاط جوانی خویش بهره ببرید؟ ده ساعت کارکردن که چیزی نیست. منظم شوید بیش از ده ساعت می‌توانید کار کنید» (خاطرات شهید شاهچراغی، ۱۳۷۳).



۱. زیر نظر آیت ا... مکارم شیرازی (۱۳۷۹)، تفسیر نمونه، دارالکتاب اسلامی، تهران.
۲. عابدی جعفری، حسن؛ از گلی، محمد (۱۳۸۳)، مروری بر سیر تحقیقات مدیریت اسلامی در ایران، مصباح، پژوهشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، شماره ۵۱.
۳. عابدی، جعفری حسن؛ از گلی، محمد (۱۳۸۳)، نقطه های آغاز در ترسیم چشم انداز یست ساله نظام جامع مدیریت اسلامی، مصباح، پژوهشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، شماره ۵۱۲.
۴. طباطبایی، سید محمد، تفسیر المیزان، نشر فرهنگی رجا، جلد چهارم، تهران، بی تا.
۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵)، مجموعه آثار شماره ۳، صدرا.
۶. مطالب درسی نظریه های مدیریت پیشرفته دکتر ناظمی (۱۳۸۷)، دانشکده فرهنگی و مقاومت.
۷. مشاوره دکتر محمد از گلی (۱۳۸۷)، از گروه مدیریت دانشگاه امام حسین (ع).